

آسیب‌شناسی جایگزین‌های حبس در راستای کاهش مجازات حبس تعزیری

علیرضا حسینی

سطح چهار حوزه علمیه قم دکتری فقه و مبانی حقوق

seyed150@gmail.com

زهره زینی‌زاده

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده غیرانتفاعی هدی

Zeinizadeh98113@gmail.com

چکیده

در نظام حقوقی ایران مجازات حبس یکی از جزاهایی است که بیشترین تغییرات را از جهت نظری، کارآمدی و شیوه اجرا شاهد بوده که امروزه باچالش و بحران ناکارآمدی روبروست. لذا دانشمندان حقوق کیفری در فکر شناسایی مشکلات و راهکارهای برون‌رفت از آنها بوده و هستند. اجرای مجازات‌های جایگزین حبس از آنجاکه علاوه بر حذف مشکلات و آسیب‌های زندان، الزامات ناظر بر حقوق بشر و کرامت انسانی را رعایت کرده و هزینه‌های عدالت کیفری را به گونه چشمگیری کاهش می‌دهند، این پژوهش درصدد است که برای حل معضل تورم زندانیان باید از چهارچوب سیاست کیفری خارج شده و راهکارهای کاهش آمار زندانیان را در گستره‌ای به وسعت سیاست جنایی و جرم‌شناختی پی‌جویی کرده و با اتخاذ تدابیر و اقدام‌هایی در راستای پیشگیری از جرم، با استفاده مناسب از مجازات‌های جایگزین حبس، از مضرات و خطرهای آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... که دامن‌گیر زندان است جلوگیری کرده و با به‌کارگیری مناسب جایگزین‌های حبس با توجه به شخصیت، موقعیت و نوع جرم ارتكابی زمینه بازپروری و اصلاح محکومان را فراهم آورد. در ایران فقط در دهه اخیر است که استفاده از مجازات جایگزین به صورت جدی مطرح شد، اما هنوز این مجازات‌ها شناخته‌شده نیستند و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار به صورت

محسوسی به جایگزین‌های حبس و نهادهای جایگزین پرداخته و به این مهم رسیده که باید به جای استفاده از زندان برای بازپروری محکومان، از مجازات جایگزین حبس استفاده شود و استفاده از این نوع مجازات را در اولویت و در پی حبس‌زدایی باشند.

واژگان کلیدی: حقوق، حبس تعزیری، مجازات جایگزین، جرم‌شناختی

مجازات حبس به منزله مجازات اصلی، از نیمه دوم قرن هجدهم به عنوان یک واقعیت گریزناپذیر در نظام‌های کیفری بسیاری از کشورها وجود دارد. در حقوق ایران مجازات جایگزین حبس سابقه داشته است. به موجب بندهای دوگانه ماده ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، اجازه داده شده بود در صورتی که حداکثر و اقل مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز باشد، به جای حبس جزای نقدی تا یک میلیون ریال در نظر گرفته شود و هرگاه حداقل مجازات کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن بیش از آن باشد، دادگاه می‌توانست یا حکم به جزای نقدی تا سه میلیون ریال بدهد یا اینکه حکم به بالاتر از ۹۱ روز حبس صادر کند. قانونگذار سال ۱۳۹۲ نیز از قافله کشورهای پذیرنده مجازات جایگزین حبس عقب نماند. سیاست جزایی قانونگذار ایرانی بر این قرار گرفت که نسبت به درج مجازات‌های جایگزین حبس در قانون اقدام نماید، دلایل بی‌شماری درخصوص علت این رویکرد وجود دارد؛ از جمله افزون شدن تعداد زندانیان، مخارجی که هر زندانی به هزینه دولت تحمل می‌کند، عدم اصلاح زندانیان پس از سپری کردن دوران محکومیت، عدم استقبال جامعه به افرادی که پس از مدت حبس از زندان آزاد می‌شوند که نتیجه‌اش بازگشت فرد آزاد شده به محیط تبهکاران با اندوخته‌ای از تجاربی است که در زندان از دیگر زندانیان آموخته. یکی از اهداف مجازات‌ها، بازدارندگی ارباب است. بررسی آرای صادره از محاکم قضائی بیانگر این مهم می‌باشد که قضات محاکم کیفری به لحاظ مشکلات عدیده و موانع موجود در قانون و آیین‌نامه اجرایی آن، خصوصاً تعامل در باب نهادهای پذیرنده و ناکارآمدی دستورالعمل‌های موجود در باب نحوه مراقبت و نظارت و شرایط دشوار نحوه محاسبه و تبدیل مجازات‌های جایگزین، از اعمال جایگزین اجتناب می‌ورزند و تعداد اندکی از محاکم کیفری که مبادرت به صدور حکم مجازات جایگزین می‌کنند. بیشتر آنها جایگزین‌های سستی، خصوصاً در درجه اول جزای نقدی، در درجه بعد

تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط را صادر می‌نمایند و به‌ندرت جایگزین‌های جدید مورد حکم قرار می‌گیرد. هدف از بررسی این موضوع نیز عبارت است از:

الف) بررسی نهادهای جدید و مبانی مجازات جایگزین حبس با راهبرد عدالت ترمیمی فقهی و حقوقی

ب) بیان معایب حبس به‌صورت کامل و ارزیابی جایگاه مجازات‌های جایگزین حبس

ج) بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در بازدارندگی از مجازات حبس همچنین در این مقاله، ضمن بررسی انواع جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران، به ابهامات و اشکالات موجود در قوانین و مقررات موضوعه ایران در خصوص جایگزین‌های حبس و راه‌حل آنها پرداخته می‌شود.

۱. بررسی قانون جدید کاهش مجازات حبس تعزیری در زمینه میزان پیشگیری از جرم و اهداف بازپروری

وجود بنیادهایی همچون تخفیف کیفر، می‌تواند به‌عنوان ابزاری دقیق و کارساز جهت صدور احکام عادلانه‌ای باشد که عدالت اقتضای آن را دارد. به همین دلیل موضوع تخفیف مجازات، ازجمله موضوعاتی است که در دوره‌های مختلف مورد توجه قانونگذار بوده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این موضوع مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و شرایط و ضوابطی نیز برای آن در نظر گرفته است. به‌طورکلی موضوع مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به قانون مجازات ۱۳۷۰ هیچ‌گونه حد و مرزی نداشت و قاضی در اعمال تخفیف کیفر اختیاری بی‌حد و حصر داشت. تخفیف در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به دو صورت انجام می‌گیرد: تخفیف قانونی یعنی تخفیف الزامی همانند ماده ۵۳۱، تخفیف قضایی یعنی اختیار دادگاه نسبت به اعمال تخفیف که ماده ۳۷ این قانون به این امر تصریح دارد.

درباره اینکه چرا تخفیف کیفر باید وجود داشته باشد، عقاید مختلفی بیان شده که به‌طورکلی می‌توان تحت چهار عنوان قرار گیرد: ۱. مبنای منطقی و عقلی، ۲. مبنای قانونی، ۳. مبنای قضایی، ۴. مبنای طبیعی. طبق قانون مجازات ۱۳۹۲ تخفیف مجازات

مخصوص مجازات‌های تعزیری است و در حدود قصاص دیات مصداق ندارد؛ چراکه مجازات آنها ثابت است و امکان تغییر در آنها وجود ندارد. ماده ۳۷ در این خصوص مقرر می‌دارد: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می‌تواند مجازات‌های تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد، تقلیل دهد یا تبدیل کند». همچنین با توجه به این ماده باید جهت یا جهاتی برای تخفیف کیفر وجود داشته باشد. زندان صرفاً مجازات زندانی تلقی نمی‌شود، بلکه عملاً به‌طور غیرمستقیم خانواده وی نیز به جهت فقر و بیکاری و غیره متحمل آسیب جدی می‌شوند. این نوع آسیب‌ها که به‌طور غیرمستقیم بر خانواده زندانی وارد می‌شود، نوعی مجازات غیرمستقیم آنهاست که برخلاف اصل شخصی بودن مجازات‌هاست. با این حال در خصوص قانون کاهش مجازات حبس تعزیری سؤالاتی مطرح می‌شود که در ادامه به آن خواهیم پرداخت:

چه جرایمی به موجب «قانون کاهش مجازات حبس مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳» جزء جرایم قابل گذشت اعلام شده‌اند؟

در ماده ۱۱ «قانون کاهش مجازات حبس» (ناظر به ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی) جرائم در مواد ذیل که قبلاً جرم عمومی تلقی می‌شوند و بدون شکایت شاکی خصوصی، با شکایت مدعی العموم قابل تعقیب و پیگیری بودند، دیگر جنبه عمومی ندارند و صرفاً با شکایت شاکی قابل تعقیب هستند و با انصراف یا گذشت وی نیز متوقف می‌شوند:

۱. موضوع مواد ۵۳۶ و ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی

۲. مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ و ماده ۶۲۲ و ماده ۶۳۲ ق.م.ا.

۳. مواد ۶۳۳ و ۶۴۱ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۶۸ و ۶۶۹ ق.م.ا.

۴. مواد ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۹ ق.م.ا.

۵. مواد ۶۸۲ و ۶۸۴ و ۶۸۵ ق.م.ا.

۶. مواد ۶۸۲ و ۶۸۴ و ۶۸۵

۷. مواد ۶۹۰ و ۶۹۲ الی ۷۰۰ ق.م.ا.

همان‌طور که بیان شد، در کلیه جرائم قابل‌گذشت به شرح ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی، حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون به نصف تقلیل می‌یابد. بنابراین معلوم می‌شود قانونگذار جرائم مذکور در ماده یک و همچنین جرائم قابل‌گذشت موضوع ماده ۱۱ (یا ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی) را به صورت کاهش اجباری اعلام نموده و قاضی مکلف به تبعیت از قانون مزبور جهت تخفیف مجازات است. لذا در جرایم غیرقابل‌گذشت، چنانچه مشمول بند الف ماده یک قانون کاهش مجازات حبس نباشد، مشمول تقلیل اجباری مجازات به نصف حداقل و حداکثر طبق تبصره ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مجاز نخواهد شد و قاضی مکلف به تقلیل مجازات نیست، مگر اینکه از مزایای تخفیف اختیاری قضایی (موضوع ماده ۳۷ اصلاحی قانون مجازات اسلامی) استفاده شود.

آیا در «قانون کاهش مجازات حبس»، برای مرتکبین جرائم غیرقابل‌گذشت، راهکاری جهت کاهش مجازات حبس آنها همچون تبدیل یا تعلیق یا تعویق مجازات پیش‌بینی نشده است یا اینکه مرتکبین جرائم غیرقابل‌گذشت از هیچ تسهیلاتی در قانون کاهش مجازات حبس مصوب ۹۹/۲/۲۳ نمی‌توانند استفاده کنند؟

در قانون کاهش مجازات حبس مصوب ۹۹/۲/۲۳ هرچند برای جرائم غیرقابل‌گذشت، کاهش میزان حبس تا میزان نصف مجازات تعیین شده قبلی پیش‌بینی نشده است، اما راهکارهای دیگری جهت مساعدت به این افراد وجود دارد.

برای این دسته از جرائم چند روش پیش‌بینی شده است.

روش اول) کاهش مجازات به صورت اختیار قضائی:

در ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس (ماده ۳۷ اصلاحی قانون مجازات اسلامی) چنین مقرر شده است:

ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۳۷ — در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد، به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف) تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛

ب) تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛

پ) تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛

ت) تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛

ث) تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در این ماده قانونی از قانون کاهش مجازات حبس، دست قاضی، در جرائم غیرقابل گذشت باز گذاشته شده است که تحت شرایطی به مرتکب جرم ارفاق کند.

روش دوم) تعلیق مجازات:

در ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس (تبصره الحاقی به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی) چنین مقرر شده است:

تبصره — در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع مواد ۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) و کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق

قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده (۴۶) این قانون در خصوص این تبصره الزامی است.

بنابراین جرائم فوق که قبلاً غیر قابل تعلیق بوده، به موجب ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس (تبصره الحاقی به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی) قابل تعلیق اعلام گردیده است که البته قاضی با رعایت ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی می‌تواند حکم به تعلیق، مجازات جرائم مذکور صادر کند؛ درحالی که قبلاً چنین تعلیقی غیرمجاز بوده است.

روش سوم) آزادی محکوم تحت نظام نیمه آزادی و در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس: بر اساس الحاق یک تبصره به ذیل ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی (طبق ماده ۸ قانون جرائم قابل گذشت)، در حبس‌های تعزیری درجه ۲ و درجه ۳ و درجه ۴ نیز در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس، محکوم می‌تواند تقاضای آزادی تحت نظام نیمه‌آزاد را بنماید؛ درحالی که قبلاً در جرایمی که مجازات آنها درجه ۲ و ۳ و ۴ بوده، امکان تعلیق مجازات وجود نداشته است.

روش چهارم) آزادی تحت نظارت سامانه (سیستم الکترونیکی) سابقاً در مورد حبس‌های تعزیری درجه ۲ و درجه ۳ و درجه ۴ محکوم، نمی‌توانسته است از آزادی تحت نظارت سامانه (سیستم الکترونیکی) استفاده کند. اما به موجب ماده ۹ کاهش مجازات حبس، حتی در مورد حبس‌های درجه ۲ و درجه ۳ و درجه ۴ نیز پس از گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس، محکوم می‌تواند تقاضای آزادی تحت نظارت سامانه (سیستم الکترونیکی) کند. وضعیت حبس‌های ابد چگونه است و آیا در مورد آنها نیز تخفیفی اعمال شده است؟

طبق ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس (تبصره الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی) تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود.

حبس درجه یک (طبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی) حبس بیش از ۲۵ سال است که عملاً طبق ماده ۲ قانون کاهش مجازات (تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی) دادگاه باید به میزان حداقل مجازات حبس تعیین شده در قانون در نظر بگیرد و چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و سایر جهات قانونی علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانون را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد. بنابراین تبدیل حبس‌های ابد غیر حدی به حبس درجه یک (یعنی بیش از ۲۵ سال) یک نوع کاهش اجباری محسوب می‌شود.

در ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس که در مقام اصلاح ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی وضع شده، چنین مقرر شده است:

ماده ۱۳۴ - در تعدد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است:

الف) هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب) در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ) چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند.

ت) در تعدد جرائم درجه ۷ و درجه ۸ با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه ۷ و درجه ۸ با درجه ۶ و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه ۶ و بالاتر، به‌طور

جداگانه برای جرائم درجه ۷ و درجه ۸ مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجرا است.

ث) در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجرا گردد، مجازات اشد بعدی اجرا می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجرا شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجرا است.

ج) در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، دادگاه می‌تواند تا یک‌ششم و چنانچه بیش از سه جرم باشد تا یک‌چهارم به اصل آن اضافه کند.

چ) در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود.

ح) هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجرا می‌شود؛ حتی اگر مربوط به مجازات غیر اشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجرا می‌شود.

خ) در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

د) در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

۲. عوامل ناکارآمدی کیفر حبس در کاهش مجازات حبس تعزیری

همپای تحولاتی که در مفهوم، دامنه، نوع و کیفیت جرم و بزهکاری در سده‌های اخیر رخ داده و دولت‌ها را با بزهکاری جدید که پیچیده و متفاوت از گذشته است، روبرو کرده، واکنش اجتماعی علیه جرم نیز به تناسب شاهد دگرگونی‌های وسیعی بوده است. در این میان، زندان به مثابه مهم‌ترین شکل واکنش اجتماعی علیه جرم و فرد دستخوش دگرگونی‌هایی شده است. در ادوار بسیار دور، ضمانت اجرای کیفری در قالب مجازات‌های شدید بدنی و ترضیلی اعمال می‌شد. در این دوره، مجازات بر پایه انتقام و سرکوبی مجرم استوار بود و به شکل مجازات‌های بدنی قهرآمیز، به‌ویژه اعدام و سایر مجازات‌های غیرانسانی و خشن متظاهر می‌شد (آشوری، ۱۳۸۲: ۵).

هرچند مجازات زندان از عهد کهن و باستان وجود داشته است، به دلیل استفاده محدود و جزئی از آن نمی‌تواند در ردیف مجازات‌های شایع آن اعصار تلقی شود. اما زندان با گذشت زمان به تدریج به عنوان مجازات وارد زرادخانه کیفری شد. در ابتدا، جانشینی مجازات زندان، با وجود وضعیت نامناسب و رقت‌بار زندان، به جای مجازات شدید بدنی بسیار امیدوارکننده بود؛ ولی به مرور اصلاح‌طلبان اجتماعی در جهت بهبود شرایط نامطلوب و وضعیت وخیم آن اقدام‌های مهمی انجام دادند (بولک، ۱۳۸۲: ۳۳). این دلایل بخشی به اهداف کیفر حبس برمی‌گردند و بیانگر این امر است که این کیفر نتوانسته اهداف مورد نظر (اصلاح و درمان و ارباب و بازدارندگی) را برآورده سازد، بخشی دیگر از این دلایل به نفس کیفر حبس و شیوه اجرای آن برمی‌گردند. به عبارت دیگر، محیط زندان و قیود و شرایط حاکم بر آن (جرم‌زا بودن محیط زندان، هزینه‌های اقتصادی، مشکلات بهداشتی، روانی و غیره که به آنها اشاره خواهیم کرد) باعث شد مخالفان به فکر ایجاد روش‌های جایگزین مناسب برای کیفر حبس باشند. به عبارت دیگر اینها باعث می‌شوند کیفر حبس نتواند رسالت و اهداف مورد نظر را برآورده سازد. به عنوان مثال جرم‌زا بودن محیط زندان، تراکم جمعیت و کمبود فضا باعث شکست برنامه اصلاح و درمان در زندان است (ر.ک: خاکسار، ۱۳۹۶). عمده دلایل عملی عدم مشروعیت مجازات حبس که از سوی مخالفان ارائه شده است، ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرند.

۳. بررسی موارد تأثیرگذار در عدم رسیدن به اهداف مجازات حبس

۳.۱. شکست مجازات حبس در دستیابی به اهداف

مجازات‌ها از اهدافی برخوردار است که از جمله آنها عبارت است از: ارباب و عبرت‌انگیزی (پیشگیری از جرم به‌طور خاص و عام) و بازسازگاری مجدد مجرم در جامعه «اصلاح و درمان». مخالفان کیفر حبس معتقدند به دلایل زیر این مجازات نتوانسته است اهداف فوق را برآورده کند.

اولاً، تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب برای نگهداری زندانیان: به علت کثرت زندانیان برنامه‌های اصلاحی موفقیت‌آمیز نبوده است؛ به‌طوری‌که متهمان و محکومان سابقه‌دار و محکومان بی‌سابقه، همزیستی اجباری داشته و نهایتاً برای فعالیت‌های بزهکارانه در آینده برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین عامل تراکم جمعیت از جمله عواملی است که زمینه بازپروری و اصلاح و درمان بزهکار را دشوار می‌کند. ثانیاً، مشکلات و معضلات بهداشتی و شیوع انواع بیماری‌های عفونی نظیر ایدز.

۳.۲. جرم‌زا بودن محیط زندان

زندان در رسیدن به هدف‌هایی که برای آن منظور شده بود، با شکست روبرو شد و بنا به دلایل زیر به محیطی جرم‌زا تبدیل شد:

اولاً، با توجه به اینکه در زندان افرادی که سالیان دراز با تخلف‌هایی ممارست داشته و در این باره مهارتی پیدا کرده‌اند، با افرادی عادی و کسانی که در واقع خلافکار نیستند، بلکه قانون آنها را خلافکار شناخته است، مانند کسانی که چک بی‌محل صادر می‌کنند یا به خاطر ناتوانی در پرداخت دیون خود زندانی هستند یا از راه خطا مرتکب جرم شده‌اند، در یکجا نگهداری می‌شوند. «چه‌بسا مجرمانی که به علت ارتکاب جرائم ساده و سبکی (به‌عنوان نمونه اعتیاد یا قاچاق تنها چند گرم مواد مخدر) به زندان محکوم شده‌اند و در زندان بر اثر معاشرت با بزهکاران حرفه‌ای، پس از آزادی به مجرمی حرفه‌ای و خطرناک تبدیل شده‌اند» (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۱۳). جمع شدن آنها در زیر یک سقف باعث می‌شود که قدرت واگیری و سرایت تخلفات در میان آنها بیشتر شود و حالت همگانی پیدا کند؛ زیرا افراد گناهکار که در کار خودشان مهارت و

آگاهی دارند، به افراد تازه‌کار آنچه را که می‌دانند تلقین می‌کنند و از یاد دادن انواع شر به آنان فروگذار نمی‌کنند. در نتیجه سرانجام موقعی که از زندان بیرون می‌آیند، با انواع جرم‌ها آشنایی کامل پیدا کرده‌اند.

ثانیاً، در اغلب کشورها، متأسفانه برای بیشتر جرم‌ها در قانون مجازات زندان منظور شده و دادرسان حتی در جرم‌های کم‌اهمیت نیز آن را به کار می‌برند. به دیگر سخن زندان مرکز ثقل فرایند کیفری است. در بسیاری موارد که جزای نقدی اعمال می‌شود نیز محکوم علیه به علت عجز از پرداخت آن بازداشت می‌شود.

۳،۳. تعارض با اصل شخصی بودن مجازات‌ها

اصل بر این است که مجازات فقط بر خود مجرم، شریک و معاون اعمال گردد. کیفر حبس اگرچه در ظاهر بر خود زندانی تحمیل می‌شود، اما زندانی شدن مجرم، بی شک، به شکل غیرمستقیم آثار زیان‌بار مالی، معنوی، فکری و روحی را بر خانواده زندانی نیز به بار می‌آورد. در نتیجه به اصل شخصی بودن خدشه وارد می‌شود و این عمل، مجازات را از حالت شخصی بودن خارج می‌سازد. برای ذکر نمونه‌ای از این مشکلات و آثار زیان‌بار می‌توان به نگرانی و احساس ناامنی میان سایر اعضای خانواده، نداشتن منبع درآمد، ترک تحصیل فرزندان، ارتکاب خشونت میان سایر اعضای خانواده، سرقت و طرد آنها از طرف سایر عموم افراد جامعه اشاره کرد. به همین دلیل در برخی موارد زندان را داروی بدتر از درد دانسته‌اند.

به نظر می‌رسد زمانی این اثر مخرب زندان، قابل لمس و رؤیت است که زندانی متأهل و به‌ویژه دارای فرزندی باشد؛ چون اثر تخریبی زندان بر فرزندان زندانی نسبت به سایر اعضای خانواده وی بیشتر است. در همین راستا، اشاره خواهیم کرد به مصاحبه‌های شورای تحقیقات اداره کل زندان‌های استان اردبیل با تعدادی از زندانیان محکوم به حبس طولانی‌مدت در شهر اردبیل که درخصوص تأثیر مجازات زندان بر خانواده‌های زندانیان، به نتایجی دست یافته است:

اولاً زندانیانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، بیشترین تأثیر و فشار بر والدین آنها وارد می‌شود؛ چون هزینه آنها بر والدین تحمیل می‌شود و از طرف دیگر، آبرو و حیثیت

خانواده آنان در میان خویشان و افراد محل و جامعه نیز متزلزل می‌شود. این امر به مثابه یک اهرم فشار اجتماعی می‌باشد (ر.ک: احمدی، ۹۶).

ثانیاً، زندانیان متأهل که اغلب آنان فرزندان خردسال دارند که نیاز مبرم به مراقبت پدر، هم از جنبه عاطفی و هم از جنبه تربیتی دارند. در میان خانواده زندانیان، اولین عضو آسیب‌پذیر، همسر زندانی است که با از دست دادن شوهر، احساس آرامش روحی و روانی نخواهد داشت و از نظر مالی هم که دیگر استقلال ندارد و مجبور می‌شود به هر نحوی نیازهای خود را برطرف کند. کودکان هم بیشتر با افت تحصیلی مواجه هستند و بیشتر یا ترک تحصیل می‌کنند یا از نظر مالی قادر به ادامه تحصیل نیستند و از سنین پایین به کار و تلاش اقتصادی رو می‌آورند؛ لذا در معرض ابتلا به جرایم مختلف و سایر انحرافات اجتماعی، مثل روی آوردن به مشاغل کاذب نظیر دست‌فروشی، قرار دارند.

۳.۴. تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب

این عامل مانع از آن است که بتوان مقدمات آزادسازی مجرمان و بازسازی آنان را فراهم کرد. به دیگر سخن، تراکم سبب می‌شود که منابع انسانی و مالی بسیاری صرف «انبار کردن» انسان‌ها شود؛ بنابراین کسانی که باید از درمان و برنامه‌های اصلاحی استفاده کنند، از آن محروم می‌شوند. افزون بر آن، سرچشمه تنش، هم برای کارکنان و هم برای محکومان است. آمارهای زندان نشان می‌دهد که هر ساله تعداد زندانیانی که روانه زندان می‌شوند، افزایش یافته، ولی مکان و فضای نگهداری آنان گسترش داده نشده است.

یکی از علل تورم جمعیت کیفری، حبس‌محور بودن قوانین جزایی است. به عبارت دیگر، در قوانین کیفری برای اکثر اعمال مجرمانه مجازات حبس تعیین شده است. برای نمونه، می‌توان کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ یا قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ را ذکر کرد.

۳.۵. مشکلات بهداشتی و اخلاقی موجود در زندان

در زندان تعداد کثیری از افراد تندرست و نیرومند برای مدت‌های مختلف در یک مکان محبوس و در این مدت از آزادی بی‌نصیب می‌شوند. با توجه به اینکه تعداد افراد زندانی سال‌به‌سال رو به تزاید هستند و به موازات آن بر تعداد زندان‌ها افزوده نمی‌شود، اولیای امور ناگزیر آنان را در همان زندان‌ها جا می‌دهند که مشاهده می‌شود در سلول‌های زندان سه یا چهار برابر ظرفیتی که از طرف مسئولان بهداشت تعیین شده است، زندانی نگهداری می‌شود. تراکم افراد زندانی و فقدان و سایل بهداشتی باعث می‌شود بیماری‌های واگیردار، پوستی، ریوی و سایر امراض خطرناک در میان آنها شایع گردد (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۰۹). با توجه به اینکه هر سال بر تعداد زندانیان افزوده می‌شود، می‌توان چنین گفت که زندان وسیله مؤثری برای شیوع امراض و فساد اخلاقی در میان زندانیان است.

علت دیگر در به‌وجود آمدن مشکلات بهداشتی زندان می‌تواند ناشی از چرخه ورود و خروج زندانیان به داخل و خارج از محیط زندان باشد. هرچه این ورود و خروج بیشتر باشد، احتمال بروز مشکلات و بیماری‌های خطرناک و مسری بیشتر می‌شود. بنابراین در زندان خطر ابتلا به بیماری‌های خطرناک از جمله ایدز، با توجه به دلایلی که گفته شد، نسبت به سایر اماکن بیشتر می‌باشد.

نتیجه

حبس نقش کاملاً تخریبی بر وضعیت زندگی محکومان دارد و زندگی و آینده آنان به‌شدت متأثر از حوادث و آموخته‌های دوران زندان است. آثار مزبور آن‌چنان ابعاد اجتماعی گسترده‌ای دارد که سبک و روش زندگی فرد، منش و شخصیت وی، عواطف و احساسات او، افکار و عقاید و تعاملات جمعی‌اش را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. رشته‌های حیاتی محکومان از جمله روابط شغلی، پیوندهای عاطفی و خانوادگی آنها کاملاً متأثر از محیط بسته زندان است. برچسب زندانی، مانند سایه‌ای برای همیشه با اوست. همین برچسب عموماً سبب گریز افراد درست‌کار از آنها شده و در نتیجه موجب به حاشیه راندن آنها می‌شود و نهایتاً به انزوای اجتماعی آنها می‌انجامد. انزوای مزبور محکوم را ناچار می‌کند به دوستان خلافکاری که در زندان

پیدا کرده است، پناه برد. دوستانی که همگی از مشکلات مشابهی رنج می‌برند و خواسته‌های یکسانی دارند. از دیگر تبعات حبس این است که زندانی احساس می‌کند در طول مدت حبس از امکانات رایگان و مجانی برخوردار می‌شود و دولت اجباراً حداقل نیازهای وی را برآورده می‌سازد. این امر ضمن سوق دادن زندانی به تن‌پروری و بیکاری، موجب از بین رفتن حس مسئولیت‌پذیری در وی نیز خواهد شد.

این معایب و مشکلات باعث شد مجازات‌های جایگزین به وجود بیایند تا روند بازپروری اجتماعی محکومان کیفری را تسریع و به آنها کمک کند روابط شغلی و خانوادگی خود را حفظ نمایند. مطالعات بیانگر این امر هستند که مجازات‌های جایگزین حبس در مقایسه با مجازات حبس در تحقق اهدافشان موفق‌تر هستند؛ زیرا نه تنها پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین باعث متنوع‌تر شدن ضمانت اجراها و در نتیجه اجرای عدالت می‌شود، بلکه اصلاح و بازسازگاری اجتماعی مجرم را به جامعه بیشتر فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که طبق برخی تحقیقات، میزان تکرار جرم کسانی که به مجازات‌های جایگزین محکوم شده‌اند، در مقایسه با کسانی که محکوم به کیفر حبس شده‌اند، کمتر است. همچنین در استفاده از جایگزین‌های حبس، ایرادات وارده بر کیفر حبس یا وجود ندارد یا خیلی اندک است. اقدام‌های سالب آزادی در فرایند تعقیب و تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم که به‌طور عمده شامل بازداشت موقت در مرحله پیش‌رسیدگی و زندان به‌عنوان کیفر قانونی جرم ارتكابی، در مرحله پس از رسیدگی و صدور حکم محکومیت می‌شود، به دلایل گوناگونی که شرح آن در این تحقیق آمد، هم مغایر حق آزادی است و هم کیفری ناکارآمد و گاه جرم‌زا است. متأسفانه با وجود انتقادات فراوانی که بر زندان وارد شده است، همچنان مورد استفاده نظام‌های مختلف کیفری قرار می‌گیرد. در چند دهه گذشته این نقیصه‌های زندان به رواج اندیشه پشتیبانی از الغای کیفر زندان یا بازداشت موقت، آن‌گونه که باید منجر نشد؛ بلکه با ملاحظه وضع موجود و اینکه زندان هنوز از کیفرهای مورد پذیرش نظام‌های کیفری است، به سمت یافتن جایگزین‌هایی مناسب جهت‌دهی شد. این جایگزین‌ها که برخی سنتی و برخی جدید هستند، خود از حیث شدت و نوع استفاده سلسله‌مراتبی دارند

که قضات کیفری برحسب حکم قانونی و با رعایت شرایط و اوضاع و احوال مجرم و نوع جرم ارتكابی آنان مورد حکم قرار می‌دهند. در هر حال گام بعدی برای اجرایی کردن دستاوردها و نتایج این تحقیق آن است که پس از بررسی جزئیات هریک از تدابیر گفته شده یا سایر تدابیری که می‌توان ابداع کرد، باید امکان یا عدم امکان هریک از آنها را در ایران بررسی و تحلیل کرد. در صورت مثبت بودن فرایند مطالعات اجرایی، یک یا چند منطقه از کشور که مناسب با هریک از تدابیر تعیین می‌شود، برای اجرای آزمایشی آن در دوره معینی در نظر گرفته می‌شود. بدیهی است که پس از تجربه هریک از تدابیر پیش گفته، ارزیابی عملی از نتایج انجام گرفته باید صورت گیرد تا در صورت مثبت بودن نتایج آن، امکانات لازم برای اجرایش در سطح کشور فراهم شود. با این همه هریک از این مرحله‌ها، نیازمند دقت در برنامه‌ریزی و استفاده از صاحب نظران مربوط به آن است.

منابع

۱. الف فارسی
۲. ابراهیمی، شهرام و ابراهیم رجبی، (۱۳۸۹)، «پیشگیری در نظریه‌های جرم‌شناسی و گستره محدودیت‌های آن»، آموزه‌های حقوقی دانشگاه علوم رضوی، شماره ۱۳.
۳. احمدی، عیدمحمد، (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی مجازات حبس و بررسی موارد جایگزین‌های آن در حقوق کیفری ایران و افغانستان»، دانشکده حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی.
۴. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: میزان، چاپ هفتم.
۵. اسدی، لادن و پوپک دبستانی کرمانی، (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی مجازات‌های جایگزین حبس در مرحله صدور حکم»، شیراز: سومین کنفرانس سراسری حقوق و مطالعات قضایی.
۶. آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان، تهران: گرایش.
۷. بولک، برنار، (۱۳۸۲)، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مجد، چاپ سوم.
۸. تیرگر فاخری، نریمان، (۱۳۹۵)، موارد جایگزینی مجازات سالب آزادی و روش‌های آن در حقوق کیفری ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۹. خاکسار، داوود، (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی تقنینی و قضائی مجازات‌های جایگزین حبس»، مجله حقوق جزا و جرم‌شناسی.
۱۰. روزنامه ایران، سه شنبه ۴ مرداد ۱۳۷۹، به نقل از معاون سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی کشور.
۱۱. روزنامه همشهری، شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۶.
۱۲. شکوری و قاسمی، (۱۳۹۵)، «بررسی مجازات حبس و اثرات سوء آن بر زندگی خانوادگی آنها در شهرستان اهواز»، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم، تکنولوژی.
۱۳. عزازی، شهلا، (۱۳۹۳)، خشونت خانوادگی، تهران: سالی.

۱۴. کی‌نیا، مهدی، (۱۳۹۳)، مبانی جرم‌شناسی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. کوئل، آندرو، (۱۳۸۳)، مدیریت زندان‌ها در دوران گذار، ترجمه حسن طغری نگار، تهران: وفاق.
۱۶. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۰)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: میزان، چاپ پنجم.
۱۷. گودرزی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «نار سایی‌های زندان»، الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰.
۱۸. مجله قضایی و حقوقی دادگستری (قوه قضائیه)، مصاحبه شونده‌ها: بختیاری، سید مرتضی و غلامرضا شهری و احمد مظفری و حسن حمیدیان، (۱۳۸۱) «وارسی جایگزین‌های مجازات زندان»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری (قوه قضائیه)، شماره ۳۸.
۱۹. محدث، محسن، (۱۳۹۰)، مقایسه تطبیقی تأثیر مجازات زندان با مجازات‌های جایگزین در پیشگیری از جرم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه.
۲۰. محمدی، داوود، (۱۳۸۲)، «حبس و جایگزین‌های حبس»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۶.
۲۱. مهدی، زهرا، (۱۳۹۳)، بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی، اجتماعی زنان.
۲۲. نعمت‌زاده، رجب‌علی، (۱۳۹۳)، «پیشگیری از وقوع جرم نیاز ضروری نظام و جامعه»، مجموعه مقالات قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۲۳. ب) انگلیسی

24. The European Committee for the prevention of torture and inhuman or
Degrading treatment or punishment.

25. PRI-Information, Structural Issues in the Provision of Alternatives, p.5